

### **Abstract**

The aim of this study was to investigate the national and ethnic identity according to the component of political convergence in the cities of Kermanshah, Sarpol-e Zahab, Sahneh and Paveh. Therefore, the main question of the research is whether there is a difference between political convergence and ethnic and national identity of the youth of Kermanshah, Sarpol-e Zahab, Paveh and Sahneh cities?

The research was conducted using a quantitative method and a survey method. The statistical population of young people aged 15-29 in Kermanshah is Sarpol-e Zahab, Paveh and Sahneh. According to the Cochran Kermanshah formula, 383 people, Sarpol-e Zahab 378 people, Paveh 374 people and Sahneh 375 people were selected as the sample... Samples were selected through cluster sampling. Validity and validity of the study were based on face validity and Cronbach's alpha, respectively. The results of this study show that the convergence of national identity and ethnic identity with respect to the component of political convergence between the youth of Kermanshah, Sarpol-e Zahab, Paveh and Sahneh are not significantly different from each other.

Keywords: National identity, ethnic identity, convergence, political convergence,  
youth

## مقایسه هویت ملی و قومی با توجه به مؤلفه‌ی همگرایی سیاسی (مورد مطالعه: کرمانشاه، سرپل ذهاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۲

مریم رویین تن<sup>۱</sup>

## چکیده:

پژوهش حاضر باهدف بررسی . لذا سؤال اصلی پژوهش این است که آیا تفاوتی بین همگرایی سیاسی و هویت قومی و ملی جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه وجود دارد؟ تحقیق مذکور با استفاده از روش کمی و به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری جوانان شهر کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه است که بر اساس فرمول کوکران کرمانشاه ۳۸۳ نفر، سرپل ذهاب ۳۷۸ نفر، پاوه ۳۷۴ نفر و صحنه ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. اعتبار و روایی تحقیق به ترتیب از اعتبار صوری و آلفای کرونباخ صورت گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تحلیل شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هویت ملی و هویت قومی با توجه به مؤلفه همگرایی سیاسی بین جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه با یکدیگر، دارای تفاوت معناداری نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، همگرایی، همگرایی سیاسی، جوانان

مفاهیم ملت و ملیت گرچه مشترکات زیادی نیز با گروه قومی و قومیت دارند، اما دارای بار سیاسی هستند چون به نوعی دولت - ملت اشاره دارند. واژه ملت به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که دارای سرزمین خاص، فرهنگ و زبان مشترک و تاریخ خود هستند اما دارای نهاد سیاسی دولت می‌باشند و از شناسایی بین‌المللی هم برخوردارند. این نهادینه شدن و شناسایی بین‌المللی در اطلاق واژه ملت به یک گروه انسانی بسیار اهمیت دارد، وگرنه هر گروه خاص قومی می‌تواند ملت در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، ملت کاربردهای خودسرانه‌ای نیز به‌ویژه از سوی گروه‌های قومی پیدا کرده است و گروه‌هایی که دارای تمایلات جدایی‌خواهانه یا خودمختاری و نظایر آن هستند خود را ملت می‌خوانند؛ اما به لحاظ علمی، تاریخی و حقوقی این کاربرد درست نیست و جامعه بین‌المللی نیز آن را نمی‌پذیرد. بدین ترتیب آنچه یک گروه انسانی را به عنوان ملت درمی‌آورد، عناصر گوناگون و دیر پای چون تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، سرزمین واحد برخوردار از مرزهای شناخته‌شده توسط دیگر واحدها، زبان مشترک و مهم‌تر از همه نهاد سیاسی اداره‌کننده‌ی آن سرزمین است (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۹). هیچ ملتی حتی تازه و نوین‌باد و بدون تاریخی طولانی، بی‌نیاز از داشتن هویت ملی نیست، چراکه هویت ملی بزرگ‌ترین عامل ایجاد وفاق اجتماعی و استواری ارکان جامعه است (ربانی، ۱۳۸۱: ۸۹). پول (۲۰۰۳) بر این باور است که هویت ملی، زیربنای تمامی انواع هویت‌های دیگر محسوب می‌شود، چراکه شکل‌گیری تمامی اقسام هویت‌های دیگر به اشکال مختلف تحت تأثیر هویت ملی قرار می‌گیرد. اصولاً شکل‌گیری فردی‌ترین جنبه‌های هویتی به تعبیر هویت ملی ساخته و پرداخته می‌شود. از سوی دیگر، شخصیت‌ها و هویت‌های فردی در ظرف ویژگی‌های جمعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. به تعبیر دیگر هر شخص علیرغم برخورداری از یک هویت فردی معین و متمایز از دیگران، خواه‌ناخواه در مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی و شخصی با سایر اعضای یک ملت، مشترک است که منشأ آن را بایستی در هویت ملی جستجو کرد (شمشیری، ۱۳۸۷: ۴۱). هویت ملی به سیاق هویت، مفهومی تاریخی است که از ابتدا به اشکال مختلف وجود داشته است و به‌زعم برخی از صاحب‌نظران علوم انسانی، یکی از اساسی‌ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است که بعد از رنسانس به وجود آمده است (میلر، ۱۹۹۵: ۲۰۷). هویت ملی به سه عامل بستگی دارد نخست وجود فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی، دوم آگاهی داشتن از ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی و سوم احساس تعلق به یک مجموعه فرهنگی (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). احمدی، هویت ملی را در واقع شناسایی خود انسان با مرزهای جغرافیایی دولت ملی می‌داند (احمدی، ۱۳۸۳: ۹۱). اجتماعات و هویت‌های قومی در بخش‌های مختلف دنیا اغلب با منازعه و به شکل مشخص‌تر با مبارزات سیاسی همراه هستند (مرشدی زاد، ۱۳۸۴: ۱۱). وجود اقوام گوناگون در استان کرمانشاه با قومیت‌های متفاوت چون کرد، لک، ترک و فارس و اقلیت‌های مذهبی چون اهل سنت و اهل حق در کنار مذهب رسمی کشور خرده‌فرهنگ‌های متفاوت به وجود آورده است. همچنین امید به تحرک اجتماعی در میان قشر جوان به دلیل نیرو توانشان، شور و شوقشان و امیدی که به آینده زندگی بهتر دارند، بیش از گروه‌های دیگر است و در صورتی که اشتیاق و آرزوهای آنان تحقق نیابند ممکن است دچار احساس محرومیت گردند و در اثر این احساس به جای صرف نیروی خود در سازندگی به کج‌روی و انحرافات اجتماعی روی آورند و باعث هدر رفتن هرچه بیشتر نیروهای انسانی سازنده جامعه و سرمایه‌های کشور شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). در

وضعیت‌های همانندسازی، گروه‌های قومی با اتخاذ الگوهای فرهنگی مشترک، برخورداری از نهادهای یکسان، ازدواج بین قومی، نهایتاً تمایزها و اختلافات خود را کنار می‌گذارند. دولت‌هایی که شرایط همانندسازی را فراهم می‌آورند و یا این سیاست را اعمال می‌کنند (البته آن را تحمیل نمی‌کنند) دولت‌هایی کاملاً متساهل هستند (مرشدی زاد، ۱۳۸۴: ۳۴). تنوع قومی به‌خودی‌خود تهدید تلقی نمی‌شود، ولی گاهی این تنوعات می‌تواند منجر به شکل‌گیری گرایش‌ها، حرکت‌های قومی تنش‌زا و حتی بحران‌زا شود (جلائی پور، ۱۳۸۴: ۲۹). صالحی امیری نیز زمینه اصلی بروز مسائل قومی کنونی در ایران را به فقدان استراتژی و الگوی منسجم پایدار و عدم واقع‌گرایی در مدیریت مسائل قومی در ایران مربوط دانسته که در سه فرایند محلی، ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است و در نهایت موجب انباشت و تراکم و تضعیف تقاضاهای قومی و نارضایتی اقوام از وضع موجود و نهایتاً بروز مسائل قومی شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۱۲). گروه قومی خاص که در پی جدایی از جامعه ملی خود و بنیان‌گذاری یک جامعه ملی نو -کشور- است، از اعضای خود می‌خواهد که وفاداری ملی به کشور موجود را رها کرده و برای رسیدن به هدف سیاسی موردنظر تلاش کنند. در این مرحله است که میان هویت قومی و هویت ملی کشمکش به وجود آید و فرد دچار بحران هویت شده و دست به‌گزینش می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۰: ۵۸). در سالیان اخیر تقابل هویت‌های قومی و هویت ملی در کشور ما امری کاملاً مشهود به نظر می‌رسد باین‌حال در مورد اینکه چگونه عوامل تأثیرگذار سیاسی و تحولات و عوامل منطقه‌ای با توجه به نزدیکی شهرهای مورد مطالعه به مرزهای جغرافیایی و پیامدهای ناشی از آن می‌تواند باعث تنش در وحدت ملی کشور و واگرایی بین هویت ملی و قومی شود به‌عنوان یک مسئله مطرح کرد. تقویت همگرایی سیاسی در هر کشور تا حد زیادی به مدیریت درگیری‌های قومی بستگی دارد. از طرفی مدیریت شکاف‌ها و تعارضات قومی هم در تعیین درجه همگرایی سیاسی و هم در تقویت آن مؤثر است. یکی از مسائلی که باید در فرایند همگرایی سیاسی یک کشور مورد توجه قرار گیرد، مدیریت درگیری‌های قومی و روابط سیستماتیک و درهم‌تنیده بین قدرت و قومیت است که منجر به هژمونی شدن گفتمان قومی در تقابل با گفتمان ملی می‌شود. اگر شکل‌گیری هویت قومی به قوم‌گرایی‌های افراطی تبدیل شود و بر دیگر گروه‌های قومی تسلط داشته باشد منجر به درگیری‌های قومی و جلوگیری از همبستگی و وحدت ملی در یک جامعه می‌شود؛ بنابراین هر کشوری که هویت جمعی آن ضعیف باشد، لازم است رویکردی تعیین شود تا بتوان درگیری‌ها، شکاف‌ها و مشارکت قومی در روند همگرایی سیاسی را مدیریت کند. مطالعه علمی این مسائل می‌تواند به فرد در تصمیم‌گیری در مورد بهترین مدل برای گذار از واگرایی سیاسی به همگرایی سیاسی کمک کند و همچنین می‌تواند به ایجاد دموکراسی سازگار با ساختارهای فرهنگی اجتماعی ایران کمک کند؛ بنابراین با همگرایی سیاسی می‌توان همگرایی هویت ملی و قومی را تقویت کرد. با توجه به اهمیت این موضوع این پژوهش در راستای مقایسه و پاسخ به این سؤال است که آیا تفاوتی بین همگرایی سیاسی و هویت قومی و ملی جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه وجود دارد؟

مسعود نیا و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه هویت ملی و قومی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته‌اند هدف پژوهش بررسی رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در میان دانشجویان کرد،

ترک، لر، ترک و فارس دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۲-۹۳ و تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر آن است. بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر هویت قومی و ملی دانشجویان دانشگاه تهران نشان داد که متغیر مذهب هرچند تأثیر معناداری بر هویت ملی چهار قومیت دانشجویی نداشته، با هویت قومی آنان رابطه‌ی معناداری دارد. به عبارت دیگر رتبه‌بندی قومیت‌های دانشجویی برحسب هویت قومی، با ورود متغیر مذهب تغییر کرد که رفتار قومیت کرد در این نتایج حائز اهمیت بود. بنا بر نتایج رابطه معکوس و متضادی میان هویت ملی و قومی وجود ندارد و رابطه‌ای مثبت و هم‌افزا برقرار است.

امیر کافی و حاجیانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، پرداخته‌اند. وجود تفاوت‌های قومی‌ها در میان گروه بر این نکته دلالت دارد که اگرچه هویت قومی و ملی به لحاظ نظری تغییراتشان مستقل از هم فرض می‌شود. اما به لحاظ تجربی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی ممکن است متفاوت باشد. از این رو در بررسی روابط هویت قومی و ملی در میان اقوام، نمی‌توان نقش بافت اجتماعی را نادیده گرفت. هر دو هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی برجسته است و رابطه دو متغیر مذکور، مثبت و احساس تعلق به قومیت و دل‌بستگی به ملیت در میان اقوام شش‌گانه مورد مطالعه (ترکمن، آذری، بلوچ، عرب، لر و کرد) بالاست؛ اما میزان رابطه و جهت آن در میان اقوام متفاوت است.

نقدی و احمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان» پرداخته‌اند؛ از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق، شناخت مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی بوده است که شامل این موارد است: میزان سرمایه اجتماعی، میزان پذیرش اصول شهروندی، میزان رضایتمندی از زندگی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، سن، وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و عدم ارتباط بین وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی افراد با میزان همگرایی قومی آنان؛ اما سه متغیر جنسیت، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی، ارتباط معناداری با میزان همگرایی قومی از خود نشان نداده است؛ بنابراین سه فرضیه اصلی مربوط به متغیرهای وضعیت فرهنگی و ارتباطی، پذیرش اصول شهروندی و محرومیت نسبی و احساس آن تأیید شدند. مهم‌ترین متغیر اثرگذار این تحقیق، میزان سرمایه اجتماعی و پذیرش اصول شهروندی است. فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر)» به بررسی موضوع احساس تعلق به هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران با تأکید بر جوانان پیرانشهر می‌پردازد. شهرستان پیرانشهر در آذربایجان غربی به لحاظ مطالبات هویتی در چند سال اخیر بسیار مطرح بوده است. نزدیکی این منطقه به عراق نیز موقعیت این شهرستان را حساس‌تر و پیچیده‌تر می‌کند. این تحقیق بر وضعیت معیشتی جوانان این منطقه و بخصوص وجود روابط قانونی و غیرقانونی مبادله کالا با کردستان عراق تأکید داشته است، گویای آن است که جوانان پیرانشهر به واسطه همین روابط، شرایط جهانی شدن، رواج گسترده رسانه‌های قومی مثل ماهواره و مطالبه مشارکت فعال سیاسی در سال‌های اخیر هویت‌های جماعت‌گرایانه

قومی خود را تقویت کرده‌اند. مهم‌ترین عناصر این هویت عبارت‌اند از: زبان، لباس، وفاداری سرزمینی و ملی‌گرایی قومی، پایبندی به آداب‌ورسوم و فرهنگ قومی و از همه مهم‌تر باور داشتن به هویت قومی خود. رضایی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «گرایش به هویت ملی و هویت قومی در ترکمن‌های ایران» همه خانوارهای ترکمن پنج شهر ترکمن نشین استان گلستان، یعنی آقلا، بندر ترکمن، گنبدکاووس، کلاله و مراوتپه را مورد بررسی قرار داده است. فرضیه اصلی این تحقیق این است که بین میزان گرایش به هویت ملی و قومی ترکمن رابطه وجود دارد. متغیرهای اصلی شامل هویت ملی و قومی است که رابطه بین آن بررسی شده است. بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی، همبستگی بالایی وجود دارد. این ارتباط در بین تمامی مؤلفه‌های در نظر گرفته شده وجود داشته و در مجموع، نشان داد که تمایل به هویت قومی ترکمن‌ها با تمایل به هویت ملی‌شان هم‌راستا است.

احمدلو و افروغ (۱۳۸۲) در پژوهشی که در مورد «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز» انجام داده‌اند نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جوانان تبریز در عین گرایش به هویت ملی نسبت به هویت قومی نیز گرایشی قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی، رابطه مثبتی برقرار است؛ بنابراین این دو نوع هویت ملی و قومی نه در مقابل هم بلکه در کنار هم قرار دارند.

یان چائو<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به «رویکردهای دولت برای مدیریت تنوع قومی در میانمار و مالزی: میراث بریتانیا، ناسیونالیسم پس از استعمار و موضوعات معاصر» پرداخته است. نتایج بررسی و مقایسه رویکردهای دولت در مورد تنوع قومی دو مستعمره سابق انگلیس در جنوب شرقی آسیا، میانمار و مالزی، نشان می‌دهد که در هر دو کشور، شباهت کلیدی این است که دولت در سیاست‌هایش از گروه قومی غالب، طرفداری کرده است. تا حدودی، پروژه‌های ملی سازی، هم در میانمار و هم در مالزی، به ایجاد حس هویت ملی بین جمعیت‌های مربوطه، موفق شده‌اند. این هویت، بسیار مبتنی بر گروه قومی غالب است و نتوانسته است، سلطه (هژمونی) کامل را به دست آورد و دائم مورد اعتراض گروه‌های اقلیت قرار گرفته است.

سد و همکارانش (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی رشد هویت قومی در دو دانشگاه ایالتی کالیفرنیا که از لحاظ بافت و ترکیب قومی متفاوت بودند، پرداختند. این محققین درصدد بودند تا دریابند که آیا در دو زمینه اجتماعی متفاوت رشد هویت قومی متفاوت است و آیا هویت قومی دانشجویان در ابتدای سال ورود و انتهای اولین سال ورود تفاوتی می‌کند؟ همچنین به بررسی برخی از متغیرهای زمینه‌ای در این رابطه پرداختند. نتایج کلی این تحقیق نشان می‌دهد که در هر دو دانشگاه رشد هویت قومی وجود داشته و در انتهای سال، دانشجویان مورد بررسی از هویت قومی بالاتری نسبت به ابتدای ورود به دانشگاه داشته‌اند؛ اما در این میان رابطه‌ای بین جنسیت و نسل مهاجران با تغییرات هویت قومی دیده نشد. با این حال دانشجویان طبقات پایین اجتماعی از هویت قومی برجسته‌تری برخوردار بودند که شاید این موضوع ناشی از احساس محرومیت بیشتر آنان نسبت به سایر طبقات اجتماعی باشد.

<sup>۱</sup> Yan chao

لهم (۲۰۰۶) تحقیقی درباره هویت ملی در بین جوانان شهر ملبورن استرالیا انجام داده است در این پژوهش وی به دنبال شناخت عوامل تقویت‌کننده هویت ملی در استرالیا بوده است و دریافت که تلاش دولت در حمایت از گروه‌های قومی مهاجر و همچنین نقش والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ملی استرالیا، تأثیر مثبتی در تقویت هویت ملی جوانان مورد مطالعه داشته است.

پلوس<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت قومیت جهانی‌شدن»، هویت قومی مهاجران از هند به هنگ‌کنگ نشان می‌دهد جهانی‌شدن، هویت قومی را انعطاف‌پذیر می‌کند؛ زیرا فرآیند جهانی‌شدن، نظرات مردم درباره خودشان را تغییر می‌دهد.

### جمع‌بندی و مقایسه با سایر تحقیقات

درواقع موضوع هویت و مباحث وابسته همچون هویت قومی و ملی به شاهبیت مطالعات اجتماعی بدل گشته است (دوران، ۱۳۸۳: ۸۵). مرور تحقیقات نشان از میزان بالای اعتقاد به هویت قومی در میان تمام قومیت‌ها است که مسئله مهم چگونگی پیوند و همگرایی این اقوام با مؤلفه‌های هویت ملی است و اما عواملی یک‌سویه نظیر هویت دینی (شیعی) و زبان و تأکید بر آن می‌تواند موجب واگرایی و بروز تنش‌ها شود. مشکلی که از لحاظ کارهای انجام‌شده داخلی وجود دارد در عدم استفاده از این تحقیقات و جهت‌دهی آن‌ها در مسیری مشخص و قابل‌استفاده است به‌طور کلی به نظر می‌رسد این پژوهش‌ها با مسئله‌ی اساسی روبرو هستند که در حقیقت نقاط ضعف آن‌ها محسوب می‌شود. همچنین مسئله دیگر در حوزه مطالعات قومیتی خودنمایی می‌کند نبود و یا کمبود تحقیقات مقایسه‌ای و تطبیقی است جهت حل نقطه‌ضعف به مقایسه تطبیقی گروه‌های قومی جوانان در موضوع هویت قومی و ملی پرداخته می‌شود.

بررسی نتایج یافته‌های خارجی نشان می‌دهد که مسئله قومیت در سایر کشورها زیاد متفاوت نیست در نتیجه تحقیق پلوس (۲۰۰۵) دیده می‌شود که تأثیر جهانی‌شدن بر قومیت باعث کم‌رنگ شدن هویت قومیت‌ها و حرکت به سمتی که فراتر از مرزهای ملی است به همراه دارد. در این تحقیق با توجه به ساختار ناهمگون شهرهای مورد مطالعه، تحقیق حاضر شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه را از نظر همگرایی هویت ملی و قومی با توجه به مؤلفه همگرایی سیاسی مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد. همچنین این تحقیق برای اولین بار در شهرهای مربوطه انجام شده است.

### ۳. مبانی نظری

#### هویت ملی:

سه روایت عمده در پاسخ به این سؤال که منشأ پیدایش ملت‌ها چیست و به چه دورانی بازمی‌گردد؟ روایت نخست که آن را «ناسیونالیسم رمانتیک» نیز می‌خوانند، ملت را پدیدار طبیعی تاریخی بشر می‌انگارد که منشأ آن

<sup>2</sup> Pluss

را باید در دوران پیش از تاریخ جست. در تقابل با این دیدگاه که از مقوله‌ی ناسیونالیسم افراطی است، روایت «مدرن و پست مدرن» در نیمه‌ی قرن بیستم تدوین شد و رواج گرفت. این دیدگاه ملت را پدیداری جدید می‌داند که ساخته و پرداخته‌ی دولت‌های ملی در عصر جدید است و عمر آن از قرن هجدهم پیش‌تر نمی‌رود. روایت سوم «تاریخی نگر» در این‌که هویت ملی زاده‌ی دنیای جدید است با دیدگاه «مدرن و پست مدرن» هم‌آواز است، اما گسست بنیادین هویت ملی همه‌ی ملل، به‌ویژه ایران را با هویت گذشته‌ی آنان به استناد شواهد تاریخی بسیار نمی‌پذیرد. «هویت تاریخی ایرانی» بر اساس شواهد بسیار از دوران ساسانی تنظیم و تدوین شده و به صورت گوناگون تا قرن نوزدهم میلادی به دفعات بازسازی شده و در دو قرن اخیر به «هویت ملی ایرانی» تحول یافته و به صورتی جدید ساخته و پرداخته شده است (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۲). آخرین هویت اجتماعی افراد آزاد هر جامعه صنعتی و مستقل را تشکیل می‌دهد باعث همبستگی افراد آزاد و برابر در مقابل قانون به صورت طبقات و گروه‌های انسانی بر مبنای منافع (اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی) است. لذا وجود فردیت خودآگاه، آزاد و مستقل افراد یک ملت پایه و علت اساسی به وجود آمدن هویت ملی است. فرهنگ ملی محصولی است جدید که نتیجه تمدن صنعتی و سرمایه‌داری و تفکر اندیشمندان در کادر و ارزش‌های پایه‌ای آن است تا آن‌ها به صورت انسانی تعدیل کرده و آماده عروج به هویت انسانی سازند. در این رابطه ایران دوستی واقعی از ایرانی دوستی حقیقی ناشی می‌شود و مردم دوستی مقدم بر خاک پرستی است (صدرالاشرفی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۴).

#### هویت قومی:

قومیت هویتی جمعی است که ممکن است حضور عمده‌ای در تجربه افراد داشته باشد. هویت قومی و در حال حاضر، از جمله «نژاد» اغلب وجه مهم و ابتدایی خود-شناسایی است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۹). فردریک بارث درباره‌ی قوم چنین می‌گوید: واژه‌ی قوم در ادبیات انسان‌شناسان معمولاً به جمعیتی اطلاق می‌شود که دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشد و ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته باشند که درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند و یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، دارای یک احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آن‌ها را از دیگران تفکیک کند (فکوهی، ۱۳۸۰: ۲۳۵). تعدد و تنوع اقوام تشکیل‌دهنده جامعه ایرانی به نحوی است که اطلاق واژه کثیرالاقوام در جامعه چند قومی بر ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی غیرقابل‌انکار خبر دهد حضور وزندگی اقوام مختلف چون آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، لرها در جوار یکدیگر و در چهارچوب جغرافیای سیاسی واحد بیانگر تنوع فرهنگی و قومی جامعه ایران است. از جمله اصطلاحات گنگ و مبهم در چنین تحقیقاتی که با پیچیدگی مفهومی زیادی همراه است واژه‌های مترادف قومیت، قوم و هویت قومی و گروه‌های قومی باشد به لحاظ ریشه‌شناسی قوم و قومیت از واژه یونانی *ethno* که به تفاوت‌ها و تمایزات میان مردم اشاره دارد مشتق شده است. همچنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک است که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰). فرایند قومی شدن فرایندی است که طی آن



پیوند میان سرزمین و فرهنگ تضعیف می‌شود و امکان حفظ همگرایی یک ملت در معرض خطر قرار می‌گیرد (مرشدی زاد، ۱۳۸۴: ۱).

### رابطه هویت ملی و هویت قومی:

یکی از اهداف اصلی این تحقیق موضوع ارتباط دو متغیر هویت ملی و هویت قومی است. این موضوع به‌ویژه برای رهبران با جوامع متنوع قومی، بسیار حساسیت‌برانگیز است (بری، ۲۰۰۶: ۳۴). گروه قومی، ملت و دولت مجموعه‌ای از پدیده‌های مرتبط ولی مجزا هستند که در اغلب موارد از یکدیگر تمیز داده نمی‌شوند. گروه قومی و ملت اغلب مترادف قلمداد می‌شوند و دولت و ملت هم معمولاً به‌جای یکدیگر به کار می‌روند. این کاربرد و جایگزینی نه تنها با واقعیت همخوانی ندارد، بلکه از لحاظ منطقی هم به نتیجه‌ی نادرست می‌انجامد که گروه قومی با دولت برابر است. در عالم واقع همه‌ی گروه‌های قومی ملت نیستند، بلکه برخی از آن‌ها ملت هستند. همچنین همه‌ی گروه‌های قومی یا ملت‌ها دارای دولت یا خواهان دولت نیستند، بلکه برخی از آن‌ها این ویژگی را دارند. در واقع پیوند میان گروه قومی و ملت همانند پیوند میان ملت و دولت پیچیده و متغیر است و از لحاظ منطقی رابطه‌ی عام و خاص میان آن‌ها وجود دارد: برخی گروه‌های قومی، ملت هستند و برخی نیستند، برخی ملت‌ها هم گروه قومی هستند و برخی نیستند. به بیان دیگر گروه قومی و ملت دو نوع جمعیت هستند که هرچند در عالم واقع و گاهی تداخل و همپوشی دارند، ولی به لحاظ مفهومی دقیقاً مانند هم نیستند. مثلاً ایالات متحده یک ملت است، ولی به‌هیچ‌وجه یک گروه قومی به شمار نمی‌آید (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۴).

### انسجام ملی و همگرایی و واگرایی:

در بررسی علل و عوامل وحدت یا تفرق مردم ایران شناخت نیروهای همگرایی و واگرایی می‌تواند مؤثر باشد. برخی از این عوامل و نیروها به‌قرار ذیل اند:

#### الف) نیروهای واگرایی

- ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی
- استقرار اقلیت‌های در بخش حاشیه‌ای کشور و مجاورت دنباله‌های فرامرزی برخوردار از دولت مستقل ملی، ضریب آسیب‌پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده است.
- ساختار توپوگرافیک غیر منسجم و گسیخته، موجبات شکل‌دهی و تقویت خرده‌فرهنگ‌ها را فراهم آورده است.
- عدم توازن در مشارکت ملی اقلیت‌ها
- بخش‌های پیرامونی سهم کمتری نسبت به بخش‌های مرکزی در ایفای نقش ملی دارند و بخش مرکزی به علت پاره‌ای تمایلات واگرایانه به بخش پیرامونی دیدگاهی توأم با بدبینی دارد لذا تعامل ملی بین این دو بخش به‌خوبی برقرار نمی‌شود.
- سیستم ارتباطی نامناسب

• بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی

ایران دارای ساختار فضایی مرکز پیرامونی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است.

ب) نیروهای همگرایی

- اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی
- ریشه تاریخی مشترک
- فرهنگ مشترک ملی
- دین و مذهب
- مفاخر ملی
- آرمان سیاسی مشترک
- نمادهای ملی
- اقتدار حکومت مرکزی
- تهدیدات خارجی (تهدیدات خارجی که تمامیت ارضی و امنیت ملی را هدف قرار دهد می‌تواند با ایجاد جبهه واحد به همگرایی ملی کمک نماید) (حافظ نیا، ۱۳۸۱).

عوامل داخلی مؤثر بر همگرایی سیاسی:

رضایت‌مندی مردم: کشورهایی که نهادهای دموکراتیک در آن‌ها مستقر نشده و یا به‌طور مطلوب عمل نمی‌کنند، معمولاً بی‌ثباتی و ابراز ناخشنودی از وضع موجود در آن‌ها به چشم می‌خورد. بدین ترتیب مؤلفه‌هایی مانند رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد متقابل، مشارکت و بحث و تساهل در مسائل سیاسی با حمایت از وضع موجود همبستگی بالایی دارد و نبود آن‌ها نشانه آن است که جامعه زمینه لازم برای درگیر شدن در بحران‌های سیاسی - اجتماعی را دارد و به‌سوی واگرایی در حرکت است (کاظمی، ۱۳۷۹: ۲۶۷).

تمرکززدایی و تجمع زدایی صنایع و مراکز تصمیم‌گیری: تمرکززدایی عبارت است از انتقال یا واگذاری قدرت و اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری یا مدیریت از دولت مرکزی به کارگزارهای وابسته آن به سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه‌ی دولت، شرکت‌های عمومی نیمه‌مستقل، مقامات محلی، مقامات اجرایی یا سازمان‌های غیردولتی. نوع تمرکززدایی بسته به میزان انتقال قدرت و آرایش نهادی که در تمرکززدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. دامنه‌ی تمرکززدایی می‌تواند از واگذاری اختیارات اجرایی روزمره تا واگذاری قدرت، جهت انجام وظایف خاص متغیر باشد (قالیباغ، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

تقویت هویت قومی در راستای هویت ملی: در دیدگاه و مدل غیرخطی نسبت به هویت قومی، صاحب‌نظران معتقدند که تقویت هویت قومی لزوماً به تضعیف هویت و انسجام ملی نمی‌انجامد و یا تقویت هویت ملی درگرو تضعیف هویت قومی نیست، بلکه ممکن است در عین تقویت هویت ملی یک جامعه، افراد از هویت

قومی بالایی برخوردار باشند، حتی این امکان هست که هویت ملی و قومی فرد به‌طور هم‌زمان ضعیف باشد (فینی، ۲۰۰۱: ۵۰۱). واقعیت این است که کشور ایران از همان آغاز پیدایش بر اساس موجودیت ده‌ها خرده‌فرهنگ، شکل گرفته است و از این جهت، مورد مطالعات مناسبی برای نسبت‌سنجی بین خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ ملی است؛ لذا به‌طور قطع می‌توان گفت: تکامل و بقای تاریخی ایران به‌عنوان تمدنی کهن، محصول همین نحوه برخورد کل با جز بوده است؛ بنابراین با اذعان به این واقعیت، می‌توان معتقد بود که جامعه ایران اساساً متشکل از خرده‌فرهنگ‌هایی است که هم‌زمان رابطه دیالکتیک با فرهنگ عمومی دارند؛ به این معنا که در طی تاریخ خرده‌فرهنگ‌ها، عناصر اصلی فرهنگ ملی را شکل و بسط داده‌اند و به همین‌سان خود خرده‌فرهنگ‌ها نیز از فرهنگ عمومی متأثر شده و عناصر مهمی از آن را وام گرفته‌اند (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۴).

قدرت حکومت مرکزی ضامن همگرایی و انسجام: بر اساس نظریه‌ی تئوری‌گزینه‌ی عقلایی، از جمله مواردی که زمینه را برای بروز جنبش‌های قومی فراهم می‌کند، دوره گذار سیاسی و کاهش قدرت حکومت مرکزی در نتیجه انقلاب‌ها. اشغال نظامی، تنش‌های داخلی و فراهم بودن فاکتورهای ژئوپلیتیک است (احمدی، ۱۳۸۳). فعالیت جنبش‌های سیاسی انفرادی یا عمومی کردها در قلمرو مناطق کردنشین غرب آسیا تابعی از درجه اعتبار و اقتدار سیاسی و نظامی دولت مرکزی و مطبوع آن‌ها بوده است، یعنی با کاهش اقتدار دولت، به‌ویژه در دوره‌های گسل و گذار سیاسی - اجتماعی، جنبش‌های مذکور قوت گرفته و فعال‌شده‌اند، برعکس با افزایش اقتدار دولت مرکزی و سرکوب جنبش‌ها، موقتاً فروکش کرده و منتظر فرصت جدیدی مانده‌اند. قانون اساسی و نقش آن در انسجام ملی: نشانه‌ها به‌خودی‌خود عامل ضعیفی در ایجاد انسجام لازم برای حیات سیاسی کشور نقش ایفا می‌کنند. آن‌ها برای تأثیرگذاری قوی باید از سوی سیستم‌هایی که ماهیت کشور و ناحیه سیاسی را توضیح داده و نحوه عمل آن‌ها را مشخص می‌کنند، مورد حمایت قرار گیرند. در بیشتر کشورها، مرجع اصلی قانون اساسی آن‌ها هستند که ملاک عمل خوبی را برای تقویت هر چیزی در جایگاه خود فراهم می‌کند. قانون اساسی به‌وسیله طیفی از عناصر دیگر مانند قوانین حقوقی و نهادهای سیاسی حمایت و تکمیل می‌شود، همه آن‌ها نیز در جای خود حدود و اختیار و توانایی خود را از قانون اساسی اخذ می‌کنند همچنین قانون اساسی چگونگی انعقاد و قراردادهای و تسویه اختلاف‌ها در روابط بین حکومت و شهروندان و نیز بین شهروندان با یکدیگر را مشخص می‌کند. این قوانین همچنین برای مدیریت نظام‌مند سیاسی سرزمین‌ها، تقویت مالکیت عمومی و خصوصی و آمادگی برای تفویض اختیار سامانمند، به هنگامی که شرایط ایجاد می‌کند، حیاتی است (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۴۴). در مورد شرایط زمینه‌ساز همگرایی، کارل دوپیچ به چهار مسئله ارتباط متقابل، سازگاری عملی ارزش‌ها و تاریخ مشترک، واکنش‌پذیری متقابل و بالاخره پدیدار شدن نوعی هویت و یا وفاداری مشترک اشاره دارد؛ بنابراین با این دیدگاه، همگرایی زمانی قابل حصول است که شرایط قبلاً فراهم آمده باشد (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

با توجه به تمرکز مقاله بر مؤلفه‌های سیاسی در ذیل مطلب در قالب سه مؤلفه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- احزاب:

ویژه‌ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است. یکی از کلان‌ترین و بهترین نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری - کارکردی است این نگرش در دهه ۱۹۶۰ وارد علوم سیاسی شد و مدافعانی چون گابریل آلموند، جیمز کلمن و بیتگام پاول یافت. از این دیدگاه حزب به منزله یک فرد از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و با ایفای نقش جعبه سیاه دارای درون داده‌ها و برون داده‌ها و بازخور است. داده‌ها یا درون داده‌ها، حاوی مجموعه اطلاعات و خواسته‌های انتقالی به درون حزب است و یافته‌ها و برون داده‌ها عبارت‌اند از کلیه تصمیم‌ها، مقررات، شعارها، موضع‌گیری‌ها، خواهش‌ها، جهت‌گیری‌ها، تاکتیک‌ها، راهبردها و... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه، دولت و سایر نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی قرار می‌گیرد. بازخورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته از یافته‌ها که دوباره به صورت داده‌ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته‌های جدید از آن بیرون می‌آیند که در این نقش تعبیر و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد؛ بنابراین حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع‌آوری کرده و پس از تحلیل و دسته‌بندی به نهادهای تصمیم‌گیری (دولت، مجلس و...) عرضه می‌دارد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳).

اینک به برخی از مهم‌ترین کارکردهای احزاب سیاسی اشاره می‌کنیم:

۱. احزاب می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای استخدام سیاسی و مجرائی برای اعمال فشار از پائین به بالا عمل کنند.
  ۲. احزاب فرصت‌هایی را برای تشکیل ائتلاف‌هایی از صاحبان منافع قدرتمند سیاسی به‌منظور حفظ و تداوم حکومت فراهم می‌آورند.
  ۳. احزاب نقش بسیج‌کننده دارند، می‌توانند مردم را بسیج نمایند یا در پروژه‌های همیاری در سطح ملی شرکت کنند. (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۰۶).
  ۴. احزاب سیاسی به‌عنوان نهادهای ضروری برای حفظ ثبات سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. هانتینگتن با الهام از دوتوکویل یادآور می‌شود، کل نظام سیاسی موقعی کارآمد است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد وی معتقد است از آنجائی که نیروهای جدید اجتماعی که طی فرایند نوسازی به وجود آمده‌اند، خواهان مشارکت سیاسی در سطح گسترده هستند لذا ثبات جامعه درگرو جذب این سطح فزاینده از مشارکت سیاسی سامان‌دهی این مشارکت سیاسی عمل نمایند. (بدیع، ۱۳۷۹: ۱۰۰ و ۹۴).
  ۵. برخورد و انتقاد از حکومت و سعی در جلوگیری از انحراف حکومت اکثریت از معیارهای ارزش و مصالح و منافع ملی با نظارت دائم.
  ۶. بالا بردن ضریب صحت تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی و کاهش احتمال خطا با افزایش مشارکت و تضارب آراء در سطح نخبگان و عموم جامعه.
- اگر احزاب سیاسی نهادینه شوند و انتخاب افراد بر مبنای شناخت فکری و برنامه‌های آنان از طریق احزاب باشد، شناخت شخصی جایگاه خود را از دست می‌دهد و بنابراین بسیاری از هزینه‌ها که صرف شناخت شخصی افراد می‌گردد از میان برداشته خواهد شد. احزاب و گروه‌های سیاسی که به مردم معرفی می‌گردند

مبین و گویای خاستگاه فکری و بینشی آنهاست و مردم همان شناختی که از احزاب و تشکل‌های سیاسی دارند و به فرد نامزد انتخاباتی تعمیم می‌دهند و لذا نیازی به تبلیغات آن‌چنانی ندارند و تقلیل ستادهای انتخاباتی در شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌ها را به دنبال دارد. علاوه بر آن رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما در سطح ملی و منطقه‌ای می‌توانند زمان معینی در اختیار نامزدها قرار دهند تا به معرفی خود و برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود بپردازند (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

## ۲- سیاسی شدن:

هاس و اشمیتر پیش‌بینی می‌کنند که همگرایی متضمن سیاسی شدن تدریجی هدف‌هایی است که ابتدا فنی یا صرفاً محتاج بحث بوده‌اند. سیاسی شدن دلالت بر این دارد که بازیگران سعی می‌کنند به خاطر ارتقا منافع مشترک به حل مشکلات از طریق واگذاری اختیار بیشتر به مراکز جدید اقدام کنند (سیف زاده، ۱۳۷۲: ۲۴۶). به‌عبارت‌دیگر سیاسی شدن حکایت از آن دارد که روند دموکراتیک شدن جوامع، به رهبران فشار می‌آورد تا درصدد تأمین خواسته‌های مردم از طریق همکاری با دیگران برآیند. این روندها موجب می‌شود تا نهادهای همگرایی رقیب در مناطق مختلف شکل گیرد. با آغاز همکاری در یک زمینه دو روند تسری افقی و تسری عمودی شکل می‌گیرد. تسری افقی زمینه فعالیت را از یک حوزه به دیگر حوزه می‌کشاند؛ اما تسری عمودی آن است که این همکاری‌ها، بالاخره زمینه را برای همکاری فوق ملی در یک واحد سیاسی منطقه‌ای چون جامعه اروپا فراهم خواهد کرد (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۳). آنچه برای همگرایی تعیین‌کننده است، سیاسی شدن تدریجی اهداف بازیگران است، یعنی اهدافی که در ابتدا «فنی» یا «غیر مجادله انگیز» تلقی می‌شوند (هاس و اشمیتر، ۱۹۶۶: ۲۶۲).

## ۳- همگرایی ملی:

## ۴. چارچوب نظری پژوهش

هنگامی که ارزش‌ها، عادات، هنجارها و سبک زندگی یکی از گروه‌های قومی جامعه بر دیگر گروه‌های قومی آن جامعه مسلط شود، آن ارزش‌ها و هنجارها و... از سوی دیگر گروه‌های قومی پذیرفته شده و گروه‌های قومی جامعه با یکدیگر همسان و همانند می‌شوند. هدف الگوی همانندسازی، کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی است. بنابراین چنانچه گروه‌های قومی یک جامعه قواعد، ارزش‌ها و رسوم یکسانی را پذیرفته و درونی سازند، جامعه‌ای متجانس و همگن ایجاد خواهد شد که در آن صورت هدف منسجم سازی نیز تحقق یافته و اختلافات فرهنگی، ساختاری جامعه کاهش می‌یابد. چنانچه این الگو صحیح و مناسب اجرا شود، قومیت به‌عنوان مبنایی برای توزیع منابع، امکانات و قدرت در جامعه به‌کاربرده

نمی‌شود. در این الگو، همانندسازی ایدئال و انسجام دهنده تلقی می‌شود و سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت سیاسی جوامع بر اساس آن شکل گرفته و ترکیبی اجتماعی، فرهنگی و زیست‌شناختی از گروه‌های قومی متمایز از هم جهت ایجاد جامعه‌ای بدون تفاوت‌های قومی به وجود می‌آید. آثار و نتایج همانندسازی، کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی است که در صورت اجرای کامل الگو، جامعه‌ای همگن و متجانس به وجود خواهد آمد و قومیت ملاکی برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت نقش مؤثری نخواهد داشت (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۵۳). در تاریخ ایران و مناطق گوناگون کشمکش‌های قومی بر سر زبان یا نژاد، آداب و رسوم محلی وجود نداشته و برعکس بر سر اقتدار سیاسی و یا تعلقات مذهبی و طایفه‌ای درمی‌گرفته است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). کثرت‌گرایی قومی الگوی مقابل همانندسازی است. در این الگو حفظ و حتی تشدید تفاوت‌ها میان گروه‌های قومی اصل است. این الگو مناسب‌ترین مسیر را کمک به توسعه جامعه‌ای با گروه‌های قومی متعدد مدنظر دارد. مفهوم تکتگرایی توسط «جی. اس. فرنیوال» جهت نشان دادن جوامع چندگانه از جوامع برمه و برزیل به کار گرفته شد. سیاست‌هایی که از تکتگرایی حمایت می‌کنند، تنوع گروه‌های قومی و حفظ مرزهای جداکننده گروه‌های قومی از یکدیگر را تشویق و ترغیب می‌کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۶۱). تکتگرایی فرهنگی خواهان تساوی بین افراد از اقلیت‌های قومی متفاوت بوده و حفظ و بقای فرهنگ‌های گروه‌های قومی را ارزش می‌نهد. ایده زیر بنایی این آیین آن است که هر فرهنگی می‌تواند چیز ارزشمندی به جامعه عرضه کند بدین ترتیب تکتگرایی فرهنگی خواهان حفظ حیات قومی تمام گروه‌های قومی در چهارچوب جامعه اصلی است (شارع پور، ۱۳۸۳: ۱۳۳). منتقدین الگوی کثرت‌گرایی مساوات‌طلبی گروه‌های قومی، تکتگرایی فرهنگی را عامل واگرایی جامعه و عامل ایجاد و تشدید اختلافات قومی می‌دانند. در الگوی کثرت‌گرایی نابرابر، میان گروه‌های قومی تفاوت ذاتی وجود دارد و نابرابری و عدم تساوی در بین گروه‌های قومی به رسمیت شناخته شده و یک گروه قومی بر دیگر گروه‌های قومی جامعه برتری دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۵). پژوهش حاضر به بعد سیاسی هویت ملی و قومی محدود شده است و بر این مبنا اهتمام لازم را برای تبیین وضعیت موجود انجام شده است.

##### ۵. فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد بین همگرایی سیاسی و هویت قومی و ملی جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه تفاوت معناداری وجود دارد.

##### ۶. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر زمانی، مقطعی و از لحاظ هدف، کاربردی است؛ و از نوع توصیفی است. با توجه به استفاده از پرسشنامه و توزیع میدانی آن و تعمیم داده‌ها از یک گروه نمونه به کل جامعه آماری؛ روش تحقیق، کمی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری را جوانان ۱۵-۲۹ ساله در چهار شهر کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه

تشکیل می‌دهند که بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، کرمانشاه ۳۸۳ نفر، سرپل ذهاب ۳۷۸ نفر، پاوه ۳۷۴ نفر و صحنه ۳۷۵ نفر است؛ و نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. به منظور سنجش اعتبار در این تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار معیار استفاده شده است. با استفاده از اعتبار صوری محقق با رجوع به نظر متخصصان و دستیابی به اجماع نظر آنان اعتبار پرسشنامه موردسنجش قرار گرفته است همچنین به منظور سنجش روایی و به دست آوردن میزان انسجام و همبستگی گویه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در قسمت آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی از تحلیل واریانس و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است. علت انتخاب این شهرها (کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه) به دلیل وجود تنوع قومی و تنوع مذهبی در شهرهای به‌ویژه سرپل ذهاب و کرمانشاه و از طرفی همگن بودن شهرهای پاوه و صحنه از نظر تنوع دینی و فرهنگی است به همین دلیل با مقایسه‌ی این شهرها با توجه به ویژگی‌هایی که برشمرده شد بهتر می‌توان مؤلفه‌های سیاسی را چه در شهرهایی با ویژگی‌های همگن از نظر دینی و قومی و در شهرهای دیگر با ویژگی‌های غیر همگن مقایسه و نتیجه‌گیری کرد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

مقدار آلفا	متغیر موردبررسی
۰/۷۲	همگرایی سیاسی

با توجه به مقدار آلفا در متغیر فوق چون این مقدار از سطح ۰/۷۰ بالاتر است، نشان می‌دهد که گویه‌های ابزار تحقیق ما (پرسشنامه) از همبستگی درونی بالایی برخوردارند و بیانگر این است که: ابزار این پژوهش (پرسشنامه) از پایایی مناسبی برخوردار بوده و آن چراکه درصد سنجش آن بوده‌ایم را سنجیده است.

۷. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲: آماره‌های پراکندگی مرکزی (میانگین و انحراف معیار) از گویه‌های همگرایی سیاسی در شهر کرمانشاه

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	منافع کشور برای من در اولویت قرار دارد حتی اگر با سیاست‌های حکومتی موافق نباشم	۳.۶۹	۰.۴۲
۲	وحدت و یکپارچگی مردم ایران در هر شرایطی ضرورت دارد	۳.۸۳	۰.۴۷

۰.۳۸	۳.۷۴	قانون اساسی کشورمان حقوق اقوام از جمله کردها را به رسمیت شناخته است	۳
۰.۲۱	۳.۳۷	احزاب می‌توانند نحوه مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را به اعضای خود و مردم آموزش دهند	۴
۰.۲۸	۳.۵۰	احزاب مهم‌ترین نهاد در ایران هستند که می‌توانند مردم را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی از جمله انتخابات بسیج کنند	۵
۰.۳۵	۳.۵۵	احزاب می‌توانند از تشنج‌آفرینی و تشویش افکار عمومی خودداری کنند	۶
۰.۲۹	۳.۹۲	هرچه افراد به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از جایگاه بالاتری برخوردار باشند میزان فعالیت و مشارکت سیاسی آن‌ها بیشتر است	۷
۰.۲۰	۳.۶۷	هرچه افراد از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۸
۰.۳۳	۳.۲۵	هرچقدر سابقه اقامت در محل بومی بودن بیشتر باشد میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۹

جدول شماره ۳: آماره‌های پراکندگی مرکزی (میانگین و انحراف معیار) از گویه‌های همگرایی سیاسی در

شهر صحنه

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	منافع کشورم برای من در اولویت قرار دارد حتی اگر باسیاست‌های حکومتی موافق نباشم	۳.۶۶	۰.۳۹
۲	وحدت و یکپارچگی مردم ایران در هر شرایطی ضرورت دارد	۳.۳۸	۰.۵۰
۳	قانون اساسی کشورمان حقوق اقوام از جمله کردها را به رسمیت شناخته است	۳.۴۵	۰.۴۴



جدول شماره ۴: آماره‌های پراکندگی مرکزی (میانگین و انحراف معیار) از گویه های همگرایی سیاسی در شهر پاره

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف
۱	منافع کشورم برای من در اولویت قرار دارد حتی اگر باسیاست‌های حکومتی موافق نباشم	۳.۵۳	۰.۲۶
۲	وحدت و یکپارچگی مردم ایران در هر شرایطی ضرورت دارد	۳.۴۷	۰.۷۱
۳	قانون اساسی کشورمان حقوق اقوام از جمله کردها را به رسمیت شناخته است	۳.۴۰	۰.۵۸
۴	احزاب می‌توانند نحوه مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را به اعضای خود و مردم آموزش دهند	۳.۴۱	۰.۴۹
۵	احزاب مهم‌ترین نهاد در ایران هستند که می‌توانند مردم را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی از جمله انتخابات بسیج کنند	۳.۵۶	۰.۶۴
۶	احزاب می‌توانند از تشنج‌آفرینی و تشویش افکار عمومی خودداری کنند	۳.۹۳	۰.۵۸
۷	هرچه افراد به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از جایگاه بالاتری برخوردار باشند میزان فعالیت و مشارکت سیاسی آن‌ها بیشتر است	۳.۳۷	۰.۲۹
۸	هرچه افراد از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۳.۸۵	۰.۴۷
۹	هرچقدر سابقه اقامت در محل بومی بودن بیشتر باشد میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۳.۶۹	۰.۶۳

جدول شماره ۵: آماره‌های پراکندگی مرکزی (میانگین و انحراف معیار) از گویه های همگرایی سیاسی در شهر سرپل ذهاب

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف
۱	منافع کشورم برای من در اولویت قرار دارد حتی اگر باسیاست‌های حکومتی موافق نباشم	۳.۲۹	۰.۵۵

۰.۴۳	۳.۴۳	وحدت و یکپارچگی مردم ایران در هر شرایطی ضرورت دارد	۲
۰.۷۰	۳.۲۴	قانون اساسی کشورمان حقوق اقوام از جمله کردها را به رسمیت شناخته است	۳
۰.۶۵	۳.۲۶	احزاب می‌توانند نحوه مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را به اعضای خود و مردم آموزش دهند	۴
۰.۳۶	۳.۷۴	احزاب مهم‌ترین نهاد در ایران هستند که می‌توانند مردم را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی از جمله انتخابات بسیج کنند	۵
۰.۶۹	۳.۴۹	احزاب می‌توانند از تشنج‌آفرینی و تشویش افکار عمومی خودداری کنند	۶
۰.۳۹	۳.۳۹	هرچه افراد به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از جایگاه بالاتری برخوردار باشند میزان فعالیت و مشارکت سیاسی آن‌ها بیشتر است	۷
۰.۴۵	۳.۷۰	هرچه افراد از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۸
۰.۴۹	۳.۶۹	هرچقدر سابقه اقامت در محل بومی بودن «بیشتر باشد میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی بیشتر است	۹

با توجه به آماره‌های پراکندگی مرکزی مشاهده می‌گردد که کلیه گویه‌ها در شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه دارای میانگین بالاتر از عدد ۳ بوده و این میانگین، میانگینی بالاتر از حد متوسط جامعه (۳) محسوب می‌گردد که حد مطلوبیت هر مؤلفه را می‌رساند.

#### ۸. یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۶: آزمون تحلیل واریانس برای بررسی مقایسه هویت ملی و قومی با مؤلفه سیاسی در بین جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه

نتیجه آزمون	سطح معناداری	F مقدار	میانگین	تعداد	متغیر
	۰.۹۶	۰.۰۹	۳.۵۹	۳۸۳	کرمانشاه
			۳.۶۴	۳۷۸	سرپل ذهاب

عدم تفاوت			۳۶۷	۳۷۴	پاوه	همگرایی
معنادار			۳۶۰	۳۷۵	صحنه	سیاسی

با توجه به آزمون فوق اختلاف دیده شده در بین جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه به متغیر همگرایی سیاسی، مشاهده گردیده است که میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی و معناداری با یکدیگر نبوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰.۹۶ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰.۰۵ بزرگ‌تر گزارش شده است، پس می‌توان استنباط نمود که میزان همگرایی سیاسی جوانان کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه با یکدیگر دارای تفاوت معناداری نیست.

جدول شماره ۷: آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی مقایسه هویت ملی و قومی با همگرایی سیاسی در بین شهرهای (کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه، صحنه)

با توجه به مقادیر به دست آمده در جدول ۷ در این آزمون میانگین اکتسابی مؤلفه همگرایی هویت قومی و هویت ملی بالاتر از حد متوسط جامعه (۳) گزارش شده است.

جدول ۸: آزمون لاندای ویلکز<sup>۳</sup> آزمون معنی داری (MANCOVA) بر روی میانگین مؤلفه‌های همگرایی هویت قومی و هویت ملی

هرچه مقدار آزمون لاندای ویلکز به صفر نزدیک‌تر باشد نشان می‌دهد که میانگین‌ها دارای تفاوت بیشتری با یکدیگر می‌باشند و هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد عدم تفاوت میانگین‌ها را گزارش می‌کند. در این آزمون مقدار آزمون لاندای برابر با ۰.۱۱ گزارش شده است که با صفر دارای فاصله بسیار کمی است و سطح معناداری نیز برابر با ۰.۶۷ است که از مقدار بحرانی ۰.۰۵ بزرگ‌تر است و بیانگر آن است که میانگین مؤلفه همگرایی سیاسی در بین شهرهای مختلف (کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه، صحنه) دارای تفاوت معناداری با یکدیگر نمی‌باشند. توان آماری برابر با ۰.۹۵ است یعنی اگر این پژوهش ۱۰۰ بار تکرار شود، ۵ مرتبه ممکن است فرضیه صفر اشتباهاً تأیید شود.

با توجه به جدول آزمون تقابل درون آزمودنی‌ها سطح معناداری به دست آمده از آن که بزرگ‌تر از مقدار استاندارد و بحرانی ۰.۰۵ و برابر با ۰.۷۱ است. ۴ گروه (شهر) با یکدیگر دارای تفاوت معناداری نمی‌باشند.

#### ۹. نتیجه‌گیری

<sup>3</sup> Wilk's Lambda

شناخت چگونگی روابط بین هویت قومی و هویت ملی، برای توسعه و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، امری بسیار ضروری است. محققان در دهه‌های اخیر، به‌طور خاص، توجه خاصی به این موضوع داشتند. عدم همگرایی میان این هویت‌ها باعث می‌شود که کنشگر، فرآیند جامعه‌پذیری متناقضی را تجربه نماید و همگرایی دچار مشکل گردد. در جوامعی که از قومیت‌های مختلف تشکیل شده‌اند، هنگامی که همگرایی میان این فرهنگ‌ها وجود نداشته باشد، به تدریج با مشکل تعارض و تضاد فرهنگ رسمی و فرهنگ‌های منطقه‌ای مواجه می‌شویم. همگرایی هویت قومی با هویت ملی، یکی از مهم‌ترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به‌واسطه آن، هویت هر ملتی تکوین و تداوم می‌یابد. به دلیل بافت چند فرهنگی محقق شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه را مورد بررسی قرار داده است. هویت ملی و قومی در بعد، همگرایی سیاسی بررسی شده است که میانگین اکتسابی همگرایی سیاسی در شهرهای مورد نظر از حد متوسط جامعه بیشتر گزارش شده است.

همگرایی سیاسی از مؤلفه‌ها و پیش‌شرط‌های همگرایی هویت ملی و قومی است در صورت نداشتن همگرایی همچنین نداشتن همگرایی سیاسی به‌عنوان مؤلفه هویت ملی و قومی موجب تقابل واگرایی هویت ملی با هویت قومی خواهد شد و پیامد آن موجب تضعیف وحدت ملی و اختلاف و جدایی قومیت‌ها و همچنین موجب مداخلات بین‌المللی و منطقه‌ای شود که این مسئله اهمیت بررسی این موضوع را با توجه به موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه و نزدیکی به مرزهای خارجی بیشتر کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد همگرایی هویت قومی و هویت ملی در بین شهرهای (کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه، صحنه) در بعد همگرایی سیاسی تفاوت معناداری باهم ندارند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین همگرایی هویت قومی و ملی جوانان کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های احمدلو (۱۳۸۱) و رضایی (۱۳۸۶) و مسعود نیا (۱۳۹۳) و امیر کافی و حاجیانی مبنی بر رابطه مثبت هویت ملی و قومی همسو است. همچنین یافته‌های این پژوهش با نظریه تکثرگرایی فرهنگی همخوانی دارد در این نظریه نشان داده شد که حفظ حیات قومی تمام گروه‌های قومی در چهارچوب جامعه اصلی است که تأیید کننده نتایج این پژوهش مبنی بر وجود همگرایی هویت ملی و قومی با توجه مؤلفه سیاسی در شهرهای مربوطه است. در این پژوهش همگرایی هویت ملی و قومی گروه‌های سنی ۱۵-۲۹ مورد بررسی قرار گرفت که طیفی از جوانان را در بر گرفت پیشنهاد می‌شود همگرایی هویت ملی و قومی در گروه‌های سنی دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

### منابع فارسی

احمدی، حمید (حمید) (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.

- احمدی، حمید (حمید) (۱۳۸۳). هویت و قومیت در ایران، در کتاب هویت در ایران به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸). «احزاب سیاسی، امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم.
- اشرف، احمد (احمد) (۱۳۹۵). هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه: حمید احمدی، تهران، نشر نی.
- انصاری، حمید و دیگران (۱۳۸۹). وضعیت سیاست اجتماعی در ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، شماره ۳۰.
- بدیع، برتران (۱۳۷۹). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر قومس.
- بلاکسل، مارک (مارک) (۱۳۸۹). جغرافیای (جغرافیای) سیاسی، ترجمه: محمدرضا حافظ نیا، عطاءالله عبدی، حسین ربیعی، عباس احمدی، تهران: نشر نی.
- جلایی پور، حمیدرضا (حمیدرضا) (۱۳۸۵). فراز و فرود جنبش کردی ۱۳۵۷-۱۳۶۷، تهران، نشر لوح فکر.
- جنکینز، ریچارد (ریچارد) (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یارمحمدی، تهران، نشر شیراز.
- حافظ نیا، محمدرضا (محمدرضا) (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (دانشگاه‌ها) (سمت).
- ربانی، جعفر (جعفر) (۱۳۸۱). هویت ملی، تهران: تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رضایی، اسدالله (۱۳۸۵). کالبدشکافی احزاب سیاسی، تهران، انتشارات آمه.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۲). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
- شارع پور، محمود (محمود) (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناختی روابط گروه‌های قومی، مجموع گفتارها، همایش علمی هویت ملی و بررسی اقوام، وزارت کشور دبیرخانه شورای اجتماعی.
- شمشیری، بابک (بابک) (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت ملی، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- صالحی امیری، سید رضا (رضا) (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، نشر مرکز تحقیقات استراتژی.
- صدرالاشرفی، سید ضیا الدین (الدین) (۱۳۸۶). کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، نشر اندیشه نو، چاپ دوم.
- فکوهی، ناصر (ناصر) (۱۳۸۰). «تنوع قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸.

قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۹). حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیرامیر کبیر، چاپ سوم.

قیصری، نورالله؛ حسینی، سید مهدی (۱۳۹۲). «ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار، مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۶، شماره ۲۰.

کاظمی، سید علی اصغر (علی اصغر) (۱۳۷۹). مدیریت سیاسی و خط‌مشی‌خط مشی دولتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

کلایو اسمیت، برایان (۱۳۸۰). فهم سیاست جهان سوم، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائنی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

گل محمدی، احمد (احمد) (۱۳۹۳). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران چاپ هفتم.  
محسنی تبریزی، علیرضا (علیرضا) (۱۳۸۳). وندالیسم، نشر آن، چاپ اول.

مرشدی زاد، علی (علی) (۱۳۸۴). روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

مقصودی، مجتبی (مجتبی) (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، تهران، نشر موسسه مطالعات ملی.